

اهمیت توجه به منطقه‌گرایی و نقش آن در توسعه کشور

دکتر عبدالرضا فرجی راد

استادیار نیمه وقت گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده:

امروزه همگرایی منطقه‌ای با توجه به عامل جغرافیا مورد توجه اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته است. با توجه به طرح موضوع جهانی شدن اقتصاد و ضرورت همگرایی بیشتر سیاسی و اقتصادی بین کشورهای یک منطقه جغرافیایی، کمتر کشوری را در دنیا می‌توان یافت که برای توسعه خود به همگرایی منطقه‌ای توجه نداشته باشد. کشورها اگر در یک گروه منطقه‌ای قرار گیرند بهتر می‌توانند منافع منطقه و کشورهای خود را تامین کند و ضعف‌ها و نقصان‌های خود را برطرف نمایند. منطقه‌گرایی در حوزه جغرافیایی اروپا، الگوی نسبتاً موفقی را به جهانیان ارائه نمود که به دنبال آن مناطق دیگر کره خاکی از این الگو پیروی کردند. نفتا در آمریکای شمالی، مرکوسور در آمریکای لاتین، آسه آن در جنوب شرق آسیا، سارک در جنوب آسیا و چندین سازمان منطقه‌ای دیگر همه نشان از علاقه کشورهای یک منطقه برای همگرایی بیشتر دارد. هر چند در منطقه‌ای که کشور ما قرار گرفته سازمانی به نام اکو تشکیل شده است ولی از آنجایی که اشتراکات لازم برای یک همگرایی منطقه‌ای فعلاً در بین اعضا وجود ندارد، در طول بیش از یک دهه فعالیت موفقیتی برای این سازمان به دست نیامده است. با توجه به تحولات یکی دو سال اخیر در منطقه خلیج فارس و اشتراکاتی که بین کشورهای این منطقه به ویژه در زمینه انرژی وجود دارد به نظر می‌رسد به دور از تنش‌های گذشته، می‌بایستی در جهت هر چه بیشتری همگرایی سیاسی و اقتصادی قدم‌های مثبتی برداشت تا به توان با همکاری با دیگر مناطق دنیا و سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان تجارت جهانی به اهداف مورد نظر دست یافت.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، جهانی شدن اقتصاد، آسه آن، اُپک.

مقدمه:

اساس منطقه‌گرایی بر این مبنا استوار شد که نیل به یک وحدت جهانی در شرایط کنونی مشکل به نظر می‌رسد و باید با عوامل پیوند دهنده منطقه‌ای زمینه حصول به آرمان جهانی شدن را فراهم ساخت. جهان‌گرایان که با این دیدگاه به قضیه منطقه‌گرایی توجه کرده‌اند، به این امید دل بسته‌اند که پیوندهای منطقه‌ای که محصول نیاز طبیعی و جغرافیایی باشد می‌تواند در مراحل تکامل، به یک نظام جهانی بینجامد. مشترکات جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این امکان را به دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی می‌دهد که از امکانات خود با همکاری مشترک بهره برده و ضمن تامین کمبودهای یک‌دیگر در زمینه‌های مختلف به سرمایه‌گذاری و تولید مشترک بپردازند.

از اقدامات مهم برای اجرای طرح‌های همگرایی منطقه‌ای حرکت آزاد عوامل است. حرکت آزاد سرمایه، مواد اولیه و نیروی کار عنصر مهمی از بازار مشترک را در منطقه تشکیل می‌دهد. برای تکمیل تجارت آزاد این سیاست برای افزایش سود و منافع ناشی از همگرایی در منطقه به کار گرفته می‌شود. حرکت آزاد نیروی کار می‌تواند به قطبی‌شدن منطقه و تجمع نیروی کار مفید در بخش‌های توسعه یافته بینجامد. در کشورهای جهان سوم که بیکاری آشکار و نهان معمولاً یکی از معضلات اساسی است، اجرای این سیاست باید با توجه به ابعاد توزیعی منافع مورد توجه قرار گیرد. مشارکت وسیع کشورهای منطقه در تدوین و اجرای سیاست‌های مشترک منطقه‌ای می‌تواند توسعه آن را تسریع نماید، اما برنامه توسعه منطقه‌ای مستلزم تعهد و الزام سیاسی جدی اعضاست.

ضمناً روند همگرایی منطقه‌ای در کشورهای جهان سوم از عوامل خارجی بسیار تاثیر می‌پذیرد. تجارت، کمک و سرمایه‌گذاری خارجی نقشی مهم در روند همگرایی منطقه‌ای دارند. متغیر عوامل خارجی به شدت بر طرح‌های همگرایی منطقه‌ای در جهان سوم تاثیر می‌گذارد. موقعیت طرح‌های همگرایی در این‌گونه کشورها سطح بالایی از همکاری‌های سیاسی را طلب می‌کند و تاثیر عوامل سیاسی بسیار برجسته است. موانع سیاسی به موانعی اساسی در راه اجرای طرح‌های همگرایی در جهان سوم تبدیل می‌شوند.

منطقه‌گرایی از جهت جایگاهی که می‌تواند در سطح بین‌الملل داشته باشد، مورد توجه اغلب گرایش‌های سیاسی معاصر قرار گرفته است. به‌عنوان مثال در هنگام تدوین منشور ملل متحد گرایش منطقه‌گرایی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت. لذا در منشور ملل متحد در چند مورد به نقش سازمان‌های منطقه‌ای در حل اختلافات بین‌المللی تاکید شده است.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ رشد چشمگیرتر ترتیبات منطقه‌ای، موجب افزایش حجم و ارزش تجارت، تحریک بیشتر کالاها و خدمات و منابع مالی و سرمایه این مناطق شده است. با این توصیف منطقه‌گرایی مکمل و مقدمه پیوستن به رژیم تجارت جهانی و کسب آمادگی برای روبرو شدن با پدیده جهانی شدن بازارها است و هواداران گرایش به منطقه‌گرایی ادعا می‌کنند که این گرایش در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی تشکیل دهنده یک مرحله مهم و اساسی و به‌ویژه اولین فاز حرکت به سوی اتحاد اقتصاد جهانی می‌باشد.

نظام تجارت جهانی اهمیت منطقه‌گرایی را به رسمیت شناخته و آن را تشویق نموده است. از آنجا که کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، خود به تنهایی فاقد تمام عوامل تولید بوده و امکان برخورداری از انجام عوامل در زنجیره تولیدات با توجه به محدودیت‌های سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی، مدیریت و تکنولوژی را نداشته‌اند، از چندین دهه قبل در تلاش برای تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی برای تکمیل زنجیره تولید از میان اعضاء بوده‌اند. در دهه‌ها و سال‌های اخیر این رشد شکل محسوس‌تری به خود گرفته و اقتصاد

جهانی به سوی نظم‌ی جدید حرکت نموده است. به طوری که اتحادیه‌های اقتصادی متعددی در مناطق مختلف جهان پدیدار گشته یا اشکال موجود آن تقویت گردیده‌اند.

هدف غایی تمامی این سازمان‌ها بالا بردن تجارت منطقه‌ای و افزایش توان رقابت اقتصادی از طریق از میان برداشتن کامل موانع و تعرفه‌های گمرکی و شبه گمرکی می‌باشد.

روش تحقیق:

پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا منطقه‌گرایی می‌تواند عاملی برای توسعه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار آید؟ برای پاسخ به این پرسش فرضیه‌های زیر را مطرح کردیم:

- جمهوری اسلامی ایران برای یک همگرایی منطقه‌ای که به یک همکاری اقتصادی موثر منجر گردد می‌تواند در مرحله اول با هر کشوری در منطقه یک گروه کاری منطقه‌ای را تشکیل دهد.

- جمهوری اسلامی ایران برای یک همکاری منطقه‌ای که به یک همکاری اقتصادی موثر منجر گردد نمی‌تواند در مرحله اول با هر کشوری در منطقه یک گروه کاری منطقه‌ای را تشکیل دهد، بلکه مشترکات جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است.

- برای این که در این تحقیق به نتیجه برسیم نیازمندیم که از الگوهایی که در دنیای امروز تجربه شده است بهره‌برداری کنیم. مهمترین الگوی موفق در پیش روی ما اتحادیه اروپا است که همگرایی‌های منطقه‌ای کارساز بعدی نیز از این الگو تبعیت نمودند. اشتراکات فوق‌الذکر باید مورد توجه قرار گیرد زیرا موفقیت و عدم موفقیت آن به این اشتراکات به‌ویژه اقتصادی بستگی دارد. عدم رعایت این اشتراکات به‌ویژه در زمینه توازن اقتصادی عامل اصلی عدم موفقیت اکو بحساب می‌آید. در این تحقیق کشورهایی انتخاب شده‌اند که می‌توانند در مراحل اولیه این توازن را داشته باشند.

نکته مهم دیگر در این تحقیق عدم بزرگنمایی اختلافات کشورهای تا حدودی همسنگ برای همگرایی منطقه‌ای است. زیرا که منطقه‌گرایی با توجه به سوابق موجود در دیگر مناطق دنیا برای خود اصولی دارد که کشورهای خواهان و علاقه‌مند به این همگرایی می‌باید آن اصول را پذیرفته و بر این اختلاف سلیقه چیره شوند. چون با کنار گذاشتن این اختلافات، دستاوردهای خیلی بزرگتری نصیب این کشورها خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران و منطقه‌گرایی:

با توجه به مراتب فوق‌الذکر کشور ما برای دستیابی به بخش متناسبی از این روند ناگزیر است به رغم وجود پاره‌ای از مسائل و مشکلات و اختلاف نظرها با کشورهای همسایه و همجوار خود، همکاری در چارچوب یک سازمان منطقه‌ای را با کشورهایی که از یک وحدت جغرافیایی، فرهنگی، و از توازن اقتصادی برخوردارند، بپذیرد تا بتواند ضمن توسعه تجارت درون منطقه‌ای، قدرت چانه زنی در به‌دست آوردن امتیازات خاص در رویارویی با دیگر مناطق و سازمان‌ها را تقویت نمایند و از تاثیرپذیری صرف و آثار زیانبار جهانی شدن مصون بمانند ضمن این که از آثار مثبت آن بهره‌مند شوند.

در شرایط کنونی منطقه‌گرایی مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصاد ملی کشورمان و ادغام آن در اقتصاد جهانی می‌باشد. این راهی است که بسیاری از کشورهای دنیا دنبال می‌کنند و به‌همین دلیل است که تاکنون حدود ۲۵۰ نوع موافقتنامه همکاری‌های منطقه‌ای و چند جانبه بین کشورها منعقد شده و این دائماً در حال افزایش است. البته ۲۵۰ نوع موافقتنامه شاید بیش از نیمی از آن به اجرا در آمده و باقی نیز مقدمات اجرایی شدنش در حال طی شدن است. در قالب این توافقنامه‌ها، کشورها برای یک‌دیگر تعرفه صفر یا تعرفه ترجیحی قائل هستند.

به‌طور مثال کشور ایران اگر می‌خواهد با کشورهای آمریکای شمالی ارتباط برقرار کند این کشورها از یک همکاری منطقه‌ای برخوردارند. زمانی که به‌خواهد با کشورهای حوزه خلیج فارس قرار داد منعقد کند، آن‌ها نیز در قالب کشورهای عربی منطقه‌ای دارای همکاری منطقه‌ای هستند. اگر به‌خواهیم به حوزه کشورهای جنوب شرق آسیا وارد شویم، باز این کشورها در قالب آسه آن با هم توافقنامه دارند، و وقتی می‌خواهیم با کشورهای اروپایی وارد مذاکره شویم، باز مشاهده می‌کنیم که در قالب اتحادیه اروپا تشکّل منطقه‌ای دارند. در واقع در روابط تجاری دنیا روز به روز بر حجم همکاری‌های چند جانبه و منطقه‌ای افزوده می‌شود و قطعاً اگر کشورمان خودش را برای حضور در این بازارها، مناطق و موافقتنامه‌ها آماده نکند، به مرور بازار خودش را بیشتر از دست خواهد داد. امروزه اگر صادر کنندگان به‌خواهند وارد بازار آسیای میانه شوند، اگر آسیای میانه با ترکیه قرار داد ترجیحات تعرفه‌ای داشته باشد، تجار این کشور با یک سود و عوارض گمرکی کمتری وارد این بازار می‌شوند، اما صادر کنندگان ما باید با سود و عوارض گمرکی بالاتری وارد بازار شوند. بنابراین دیر یا زود باید خودمان را برای حضور در این ترجیحات تعرفه‌ای آماده کنیم.

نکته قابل ذکر این است که وقتی وارد ترجیحات تعرفه‌ای می‌شویم طرف مقابل نیز همین تعرفه‌های ترجیحی و امتیازات را از ما در خواست می‌کند، اما وقتی در جایگاه دادن امتیازات قرار می‌گیریم، می‌بایستی انعطاف‌پذیری لازم از طرف وزارتخانه و واحدهای تولیدی خودمان داشته باشیم. مثلاً اگر در ۲۰ قلم کالا دارای مزیت هستیم و می‌خواهیم وارد بازار کشور مقابل شویم و طرف مقابل در یک قلم کالا که از ما مزیت می‌خواهد ما را دچار مشکل کند نباید ۲۰ قلم کالای صادراتی را که در آن دارای مزیت هستیم فدای یک واحد تولید داخل کنیم. بنابراین اگر وارد این سیستم منطقه‌ای شویم صادراتمان امکان حضور در این بازارها را نخواهد داشت و نیازمندیم که متقابلاً ما هم مزیت‌ها و ترجیحات تعرفه‌ای را به طرف مقابل بدهیم. این امکان وجود دارد که وقتی کشور و یا منطقه‌ای از ما تقاضای ترجیحات تعرفه‌ای می‌کند در برخی رشته‌های تولید داخل دچار مشکل شویم. لذا باید آن دسته از واحدها که تولیداتشان امروز مزیت و قدرت رقابتی ندارند به تدریج خود را آماده یک چالش اصلی کنند. به عبارتی در جهت اصلاح تولید، تغییر مدیریت یا تغییر خط تولید گام برداند و یا به تدریج بنگاه‌هایی که در مقیاس کوچک، قدرت رقابتی ندارند، نظام ادغام را آغاز کنند. ورود به مرحله همکاری‌های منطقه‌ای و چند جانبه به این معناست که حضور رقبا در بازار داخل را بیشتر کنیم و این امر می‌طلبد که بنگاه‌های ما خود را برای این چالش آماده کنند.

اهمیت این موضوع در این است که ما تا به امروز حتی یک مورد نظام تعرفه‌ای با هیچ کشوری نداشته‌ایم. در صورتی که همه صادر کنندگان کشورمان برای ورود به اتحادیه اروپایی، کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای میانه مشکل دارند و در مقابل کشورهای رقیب از تعرفه‌های ترجیحی یک‌دیگر برخوردارند. اگر خواهان توسعه صادرات هستیم باید گسترش مراودات با دنیا را بپذیریم و در مقابل پذیرای افزایش واردات نیز باشیم.

اتحادیه اروپا الگویی موفق برای همکاری منطقه‌ای

ایران به‌منظور ارتقای سطح همگرایی می‌تواند از نتایج، دستاوردها و تجربیات الگوهای موفق همگرایی به‌ویژه اتحادیه اروپا بهره‌گیری کند. بی‌تردید شناخته شده‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌ها در جهت همگرایی اقتصادی منطقه‌ای تلاش‌های اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. تاسیس اتحادیه اروپا در زمره موفق‌ترین تلاش‌هایی است که تا کنون توسط گروهی از کشورها به‌منظور افزایش همکاری‌های متقابل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

اجتماعی انجام گرفته است. بررسی روند همگرایی در اتحادیه اروپا و استفاده از تجربیات این اتحادیه می‌تواند به تقویت و پیشبرد روند همگرایی در منطقه‌ای که ایران در آن واقع شده است کمک کند.

نکته قابل اهمیت این است که ایران در منطقه خود با کشورهایی می‌تواند یک همگرایی منطقه‌ای را آغاز کند که علاوه بر داشتن مشترکات فرهنگی، دینی و جغرافیایی با آن کشورها، می‌بایستی در زمینه توان اقتصادی نیز با آن‌ها دارای یک توازن نسبی نیز باشد. هشت کشور دور تا دور خلیج فارس، علاوه بر این که از یک وحدت جغرافیایی سود می‌برند، امکانات اقتصادی و به‌ویژه منابع مهم نفت و گاز که همه آن‌ها کم و بیش دارا می‌باشند، این امکان را فراهم می‌کند که در مرحله اول بتوانند همگرایی منطقه‌ای را آغاز کنند. به همین دلیل است که پیمان منطقه‌ای اکو که تعدادی از کشورهای همجوار ایران را شامل می‌شود موفقیتی نصیبش نگردیده و می‌توان گفت که با توجه به تعریف و هدفی که امروزه از منطقه‌گرایی مد نظر است، اکو با شکست روبرو شده است، زیرا که کشورهای عضو این سازمان همگی از آن اشتراکاتی که کشورهای تشکیل دهنده یک منطقه در ابتدا باید داشته باشند، به دور است. پس در مرحله اول همگرایی منطقه‌ای با کشورهای نفتی جنوب ایران از اهمیت برخوردار است. این بدان معنی نیست که اگر ۸ کشور حوزه خلیج فارس یک پیمان منطقه‌ای برای همگرایی اقتصادی و سیاسی به امضاء رسانند دیگر کشورهای منطقه نمی‌توانند وارد این پیمان شوند بلکه همچون روندی که در اتحادیه اروپا طی می‌شود، کشورهای دیگر لازم است شرایط لازم برای عضویت را ابتدا به دست آورده و سپس به عضویت درآیند. برای مثال اگر قبل از فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط عضویت کشورهای همچون پاکستان و افغانستان پذیرش شوند، هیچوقت مرزهای کشورهای عضو به روی هم برای تسهیل رفت و آمد و تجارت همچون اقدامی که در اروپا صورت گرفته باز نخواهد شد و سر نوشت این پیمان به سرنوشت پیمانی همچون اکو دچار خواهد شد.

تجربه اروپا به کشورهای منطقه خواهد آموخت که چطور به سمت منطقه‌گرایی حرکت کنند. این موضوع که همگرایی اقتصادی در اروپا از ابتدا نه به صورت کلی بلکه به صورت بخشی آغاز شد می‌تواند تجربه مفیدی برای طرح‌های همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس تلقی شود. به این معنا که اگر کشورهای عضو در رسیدن به همگرایی اقتصادی در همه بخش‌ها دچار مشکل هستند، در صورت همگرایی در آن بخش‌ها تدریجاً همکاری به سایر بخش‌ها نیز تسری خواهد یافت و این امر منتهی به همگرایی اقتصادی آن کشورها خواهد شد. بعلاوه اروپاییان بعد از جنگ جهانی دوم احساس کردند از طریق یک اروپای متحد بهتر می‌توانند منافع سیاسی خود را در جهان حفظ کنند. بنابراین برای حفظ این منافع و ایجاد و تقویت همگرایی در اروپا، از راه اقتصادی وارد شدند. به عبارتی دیگر برای رسیدن به هدف آرمانی، نهایی و بالقوه و دستیابی به وحدت سیاسی در ابتدا هدف عینی، فعلی و تحقق‌پذیر را که در واقع هدفی اقتصادی بود، در دستور کار خود قرار دادند. از آنجا که مسائل سیاسی - امنیتی حساسیت برانگیز هستند برای رسیدن به اتحاد میان کشورها باید همکاری را از مسائل اقتصادی و فنی که حساسیت کمتری دارند شروع کرد، سپس با ارتقای سطوح همکاری در این زمینه‌ها راه را برای وحدت سیاسی هموار کرد. در حال حاضر با وجود زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف در اروپا، از خود بیگانگی اجتماعی و همچنین وجود اقلیت‌هایی که در جریان همگرایی به عنوان مانع تلقی می‌شوند، اروپا توانسته است با برخورداری از اراده مشترک، در مسیر همگرایی اقتصادی گام بردارد. نقطه عطف این همگرایی، پول واحد اروپایی بود که همزمان با سال نو میلادی مسیحی در سال ۲۰۰۱ برای ۱۲ کشور اروپایی از ۱۵ کشور به عنوان پول رسمی به اجرا در آمد. با پذیرش ۱۰ کشور دیگر در سال ۲۰۰۴ و تعدادی

دیگر از کشورهای بالکان و ترکیه در سال‌های بعد در آینده‌ای نه چندان دور منطقه اروپا با یک همگرایی موفق به یک قدرت اقتصادی و سیاسی مهم تبدیل خواهد شد.

بادقت نظر به این تجربه اروپایی، کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند یک سازمانی مثلاً تحت نام سازمان منطقه‌ای انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس برای برداشتن قدم اول در جهت همگرایی منطقه‌ای ایجاد نمایند.

کشورهای حاشیه خلیج فارس از یک موهبت طبیعی بر خوردارند و آن در اختیار داشتن منابع عظیم نفت و گاز است که نسبت به سایر مناطق دنیا با هزینه کمتری استخراج می‌گردد. به نظر می‌رسد تاسیس یک سازمان انرژی منطقه‌ای در خلیج فارس در حال حاضر با شرکت کشور حاشیه خلیج فارس شامل ایران، عربستان، عراق، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و عمان می‌تواند پاسخگوی این نظر باشد. عملکرد این سازمان منطقه‌ای با عملکرد سازمان اوپک متفاوت است. اگر تاسیس «بازار واحد نفت خلیج فارس» مورد توجه قرار گیرد تا حدود زیادی هدف از تاسیس این سازمان منطقه‌ای روشن می‌شود. در بازار واحد، نقل و انتقال کالا، خدمات، سرمایه و نیروی انسانی بدون هرگونه مانعی جریان دارد. بنابراین وقتی در اینجا به بازار واحد نفت خلیج فارس اشاره می‌شود در واقع مجموعه سیاست‌هایی مورد نظر است که طی زمان بندی مشخص بین کشورهای عضو به حذف هرگونه مانعی در راه نقل و انتقال انرژی و محصولات مربوطه، خدمات، سرمایه‌گذاری و در نهایت نیروی انسانی در این بخش بین کشورهای عضو بینجامد. ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا امکان فعالیت برای چنین سازمان منطقه‌ای - بخشی که در ابتدا مسایل همکاری‌های همه جانبه را مورد توجه جدی قرار نداده وجود دارد که در پاسخ می‌توان گفت که تجربه اروپا، تجربه سودمندی است. اساساً اتحادیه اروپا با شکل‌گیری جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد در سال ۱۹۵۱ پی ریزی شده و بعدها به تدریج امکان گسترش همه جانبه پیدا کرد.

توسعه رابطه ایران و عراق عامل مهم همگرایی منطقه‌ای:

ایران و عراق مهمترین کشورهای منطقه خلیج فارس هستند. هر چند که وسعت عربستان سعودی و میزان ذخایر و منابع نفتی آن از این دو کشور بیشتر است ولی عربستان هیچ‌وقت نتوانسته است به اندازه ایران و عراق بر مسایل منطقه و جهان تاثیرگذار باشد. این بدان معنی نیست که میزان تاثیرگذاری عربستان بر تامین، انرژی مورد نیاز جهان و تاثیرات آن مورد غفلت قرار گرفته است.

جایگاه ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی ایران و عراق:

سابقه تمدنی و نیز تاثیرگذاری هر دوی آنها بر مسایل خاورمیانه بر کسی پوشیده نیست. این دو کشور توأمأ حدود ۹۰ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده‌اند که بیش از ۷۵٪ جمعیت حوزه مهم خلیج فارس را شامل می‌شود.

جمعیت این دو کشور از نظر توسعه نیروی انسانی از تخصص و کارایی بالایی بر خوردارند به طوری که این ویژگی در میان مردم کشورهای جنوبی خلیج فارس که در مجموع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) را تشکیل می‌دهند، دیده نمی‌شود. کشورهای جنوبی نیروی مورد نیاز و به‌ویژه کارآمد و متخصص خود را از دیگر کشورها تامین می‌نمایند.

اشتراکات ایران و عراق برای همکاری‌های اقتصادی:

مرز ۱۳۳۶ کیلومتری عراق و ایران، طولانی‌ترین مرز عراق با همسایگان آن کشور است. از سویی با توجه به وجود منابع عظیم نفت هردو کشور، هردوی آنها مورد چشم‌داشت و توجه خاص قدرت‌های جهانی قرار دارند. اکثریت جمعیت دو کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند که همین امر دو کشور فوق را به عنوان مهمترین کشورهای شیعه جهان مطرح کرده است.

عتبات عالیه هم‌چون کربلا و نجف در عراق و مشهد و قم در ایران و تقدس آنها برای مردمان دو کشور، آنها را آنچنان به هم پیوند زده که جنگ خونین تحمیلی توسط صدام حسین نتوانست گسستی در این پیوند به وجود آورد و ارتباط گسترده مردمی و سفر به عتبات عالیه پس از سقوط رژیم بعثی نشان از این امر دارد. ضمن این که دو حوزه علمی نجف و قم و ارتباط علمی و مذهبی و عاطفی بین آنها، پیوند مردم را هر چه بیشتر افزایش می‌دهد.

ضرورت توجه به عوامل همگرا میان دو کشور :

نظر به این که کشورهای ایران و عراق به عنوان مهمترین کشورهای این منطقه، در طول چند دهه گذشته به عوامل واگرا در روابط دو جانبه توجه داشته‌اند، ضروری است با توجه به شرایط جدید منطقه ای و بین‌المللی و سقوط عامل اصلی واگرایی یعنی رژیم بعثی در عراق، به زمینه‌های مثبت همکاری و سازندگی بین دو کشور اندیشه نمایند. در این راستا همکاری و همبستگی بین این دو کشور، علاوه بر حل بهتر و سریع تر مشکلات، موقعیت آنها را در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی تحکیم خواهد بخشید. ضمن این که از این همکاری می‌توان به نفع منافع ملی دو کشور حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد و زمینه را برای یک همگرایی در خلیج فارس که به تواند به عامل مهم توسعه اقتصادی کشورهای منطقه تبدیل شود، فراهم نمود.

توسعه همکاری‌های گسترده اقتصادی ایران و عراق به طور قطع این انگیزه را در کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) به وجود خواهد آورد که قرار گرفتن تمام کشورهای خلیج فارس در یک سازمان منطقه‌ای و همکاری بین آنها، هم می‌تواند عاملی برای توسعه اقتصادی کشورها و هم به ایجاد ثبات و امنیت در منطقه کمک شایانی به نماید. در واقع شرایط جدید منطقه‌ای و نگرش جدید حامیان بیرون از منطقه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس) با توجه به ژئوپولیتیک جدید عراق این راهکار را به آنها تحمیل خواهد نمود. شاید بتوان گفت که با وضعیت جدید عراق آنها تنها اولویت یا اولویت اصلی در منطقه نخواهند بود.

نتیجه گیری:

امروز منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است و کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که عضوی از یک سازمان منطقه‌ای نباشد و یا در این اندیشه نباشد که با همکاری کشورهای مجاور خود یک سازمان منطقه‌ای را تشکیل دهد. علت این مساله هم روشن است. امروزه در فضای جهانی شدن اقتصاد کشورها بدون همکاری منطقه‌ای به تنهایی این توانایی را ندارند که در یک رقابت جهانی فشرده موفق گردند و طبیعتاً کشورها در یک همگرایی منطقه‌ای می‌توانند با مناطق دیگر رقابت کرده و علاوه بر آن از امکانات یک‌دیگر بهره‌مند گردند.

بعلاوه کشوری که از این همگرایی منطقه‌ای کنار بماند در صحنه منطقه و نظام بین‌الملل حضور کم‌رنگی خواهد داشت و به تدریج منزوی خواهد شد.

در منطقه جغرافیایی که کشور ما ایران در آن واقع شده توجه به همگرایی منطقه‌ای مشاهده می‌شود که وجود سازمان‌هایی همچون اکو، شورای همکاری خلیج (فارس) و پیمان سارک از جمله آن‌هاست ولی عضویت ایران در بعضی از این سازمان‌ها هنوز فراهم نشده و یا حتی در سازمان‌هایی مثل اکو که عضو آن به شمار می‌رود بنابر ملاحظات خاص و عدم توجه به معیارهای لازم برای ایجاد یک سازمان همگرایی منطقه‌ای، موقعیتی نصیب کشورهای عضو نشده است.

کشور ما برای اینکه بتواند یک سازمان منطقه‌ای موفق را همراهی نماید باید در درجه اول با کشورهای شروع به همکاری نماید که معیارهای اولیه برای یک همگرایی را داشته باشند. این ویژگی به خاطر اشتراکات دینی، جغرافیایی، اقتصادی (انرژی) با کشورهای حوزه خلیج فارس بیشتر مشاهده می‌گردد به ویژه آن که وضعیت اقتصادی مردم در کشورهای حوزه خلیج فارس تفاوت‌های زیادی با یک‌دیگر ندارد. تحولات عظیمی که در عراق رخ داده و زمینه همکاری‌های مؤثر و گسترده دو کشور ایران و عراق را فراهم نموده است می‌تواند به عنوان مبنایی برای یک همگرایی مناسب در این منطقه به حساب آید.

منابع:

- ۱- الهی، همایون، ۱۳۶۸، خلیج فارس و مسائل آن، نشر اندیشه.
- ۲- تقی، ناصر، ۱۳۷۳، استراتژی و تحولات ژئوپولیتیک پس از دوران جنگ سرد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۳- جعفری وحدانی، اصغر، ۱۳۷۰، بررسی اختلافات ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴- حافظانیا، محمدرضا، ۱۳۷۱، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت.
- ۵- خسرو تاج، مجتبی، ۱۳۸۱/۹/۱۴، روزنامه همشهری.
- ۶- دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، نگرشی بر دیدگاه‌ها، تئوری‌ها و سیاست‌های توسعه اقتصادی.
- ۷- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، جهانی شدن، برداشت‌ها و پیامدها، تهران.
- ۸- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، روند جهانی شدن اقتصاد و ضرورت تقویت اصل چند جانبه‌گرایی، مجله سیاست خارجی.
- ۹- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶-۱۳۶۹، مجموعه مقالات سومین بررسی مسائل خلیج فارس.
- ۱۰- دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بهمن ۱۳۷۱، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۱- شیخ حسنی، کامبیز، ۱۳۷۵، اکو یک دیدگاه منطقه‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۲- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۱، جغرافیای نظامی ایران، امیر کبیر.
- ۱۳- فرجی‌راد، عبدالرضا، ۱۳۷۹، جغرافیای استراتژیک عراق و تأثیر آن بر امنیت منطقه و ایران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۴- فرسای، شهرام، ۱۳۸۲، تحولات نوین سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- کاظمی، علی اصغر، کاظمی، ۱۳۷۵، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- کولایی، الهه، ۱۳۷۹، اکو و همگرایی منطقه‌ای، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.